

## علم پزشکی در عالم عرفانی چگونه میباشد؟

انسانی که در عالم معنوی سیر میکند عوامل منفی را شناخته و از آنها دوری میکند و دوری از عوامل منفی اعضاء وجودی بدن را به آرامش میرساند و نمیگذارد تعادل وجودی بدن به هم بریزد و هنگامی اعضاء وجودی در حالت تعادل باشد و فشار های زیاد از حد بر آن وارد نشود شخص احساس سلامت و رضایت دارد.



اما زمانی که بنا به علت های مختلف شخص فشار بر اعضای وجودی خود را بالا می برد باید انتظار از کار افتادن و ضعیف شدن عضو های وجودی خود را بکشد و بداند دچار ضعف و ناراحتی و در مجموع دچار مرض می شود.



از طرف دیگر زمانی شما عضو های ظاهر را به سمت اعمال منفی حرکت می دهید این عضو ها را دچار مخاطره کرده و به سمت ضعف و ناتوانی خواهید کشید و یا زمانی که با یک عضو اعمال مخالف زیادی انجام می دهید آن عضو را از دست خواهید داد هر چند خداوند از روی لطف و بخشندگی از اعمال بد شما در حالت فعلی صرفه

نظر کرده و به شما مهلت می‌دهد تا شاید به فهم و درک برسید و از اعمال خلاف خود دوری کنید اما چنانچه با این مهلت ها اصلاح نشوید آماده ی نقص عضو شدن باشید بدانید خود وجود خویش را ناقص کرده اید و چنانچه دنبال علت و عوامل باشید متوجه خواهید شد چگونه خود عامل نابودی شده اید در این راستا با خود صادق باشید و اعمال خود را به دقت بررسی کنید و هرگز به دنبال توجیه کردن خود نباشید و صادقانه علل را بررسی کرده و حداقل از این به بعد از آنها دوری کنید و سعی در اصلاح سازی حرکات خود کنید و این را بدانید با انجام اعمال منفی، روزی ظرفیت وجودی لبریز خواهد شد و شما در آن هنگام محو و نابود میشوید و با مرگ از صفحه روزگار کنار خواهید رفت و جای خود را به دیگری خواهید سپرد.



پس چهارچوب وجودی خود را دریابید و با تفکر بر  
وجود خویش اعمال و رفتار روزانه را بررسی کنید  
و با صداقت کامل در عالم تنهایی خود عیب ها را  
پیدا کرده و سعی در رفع عیوب وجودی خود کنید و  
در دفع شر از وجود خود کوشا باشید و هیچ زمان  
بر کامل بودن خود رأی ندهید و بدانید هر چقدر هم  
دقیق باشید باز شیطان در وجود شما لانه دارد و شما  
موفق شده اید آنرا کوچک کنید و حتی یکدم فراموش  
کردن آن و یا اطمینان دادن به خود ، او فعال شده و

عوامل انحطاط را در شما بوجود خواهد آورد یعنی یک لحظه در مکان غیبت وارد شدن خواهید دید شما هم دارید همراهی میکنید یا گوش میدهید که این ورود فعل منفی گوش معنا را ضعیف و نابود میکند و دیگر قادر نخواهید بود نوای درونی خود را بشنوید و یا اینکه خود به زبان غیبت در می آید و هرگز نخواهید توانست با این زبان کلام مثبت بگوئید زیرا موجودیت ظاهری انسانی که به سمت افعال منفی حرکت کرده و دارای موج منفی میباشد نمی تواند در یک آن هم مثبت باشد هم منفی زیرا این دو در یک لحظه کنار هم نمی توانند واقع شوند پس هر شخصی در یک عضو حرکتی خود فعل منفی انجام میدهد مطمئن باشید مابقی افعالش نیز منفی است یعنی به انسانهایی که موج منفی بوجود می آورند هرگز اعتماد نکنید و تا می توانید از آنها دوری کنید زیرا شخصی که تولید کننده امواج منفی میباشد خواه و ناخواه روی شما اثر گذاشته و شما را نیز در تولید موج منفی هم رأی خود میکند یعنی

انسانی که اهل غیبت کردن است چشمانی غیر مطمئن، افکاری ناهنجار و بطور کلی، وجودیتی نا مطمئن دارا میباشد چرا که انسان با هر عضوی تولید موج منفی کند خواسته و ناخواسته این موج منفی کل وجودیت او را در بر خواهد داشت در یک لحظه غیبت میکند در لحظه بعد چشم چرانی میکند و غیره و غیره

هر دم بر اساس موارد بوجود آمده شروع به تولید امواج منفی میکند در این رهگذر ، انسان مثبت اندیش باید در تفکر حفظ وجود خود باشد و نگذارد این امواج بر او اثرگذارد پس هر انسانی که خود از عوامل منفی جلوگیری کند و آنها را تولید نکند و از عوامل منفی دیگران نیز دوری کند دچار مرض و رنج و درد نخواهد شد پس انسان خود بوجود آورنده عیب ها و ایرادهای خود میباشد و خود امراض مختلف را با انجام افعال بد خویش پی ریزی میکند و چنانچه جامعه ای به سمت حرکتهای مثبت میل کند



و رفته رفته این موج مثبت را گسترش دهد ما دیگر شاهد این همه امراض گوناگون نخواهیم بود.

### مثال:

زمانی یک کارخانه تولید مواد غذایی در جهت پیشروی کارهای خود جنبه مثبت نگری نداشته باشد و سلامت افراد جامعه را زیر پا گذاشته و به جهت رسیدن به ظاهری نیرومندتر، اقدام نماید، کیفیت تولیدات خود را مرتب کاهش میدهد، عوامل بیماری را وارد جامعه کرده و تعداد زیادی انسانها را آلوده میکند حال زمانی به مبدأ آلودگی برمیگردیم، خواهیم دید تعدادی انسان در جهت بدست آوردن عوامل ظاهرو به دلیل عدم شناخت عظمت خداوند در وجود، تولیدموج منفی کرده اند و حال آنکه اگر این افراد در جهت سیر مثبت حرکت میکردند هرگز حاضر نمی شدند بخاطر بدست آوردن ظاهری قوی تر عظمت خداوند را در وجود خود ضعیف کنند و در انتها عامل نابودی خود را فراهم نمایند و اینچنین است که هر فرد باید خود را اصلاح کند و خود از

بوجود آوردن موج منفی جلوگیری کند و باید بداند با کنترل خود، به خودش خدمت کرده است زیرا در انتها بیشترین ضربه از انتشار موج منفی نصیب خود شخص بوجود آورنده خواهد شد و اوست که بیشترین ضرر را خواهد کرد و خود را بدست نابودی داده است و چنین شد که انسان خود بوجود آورنده مرض گردیده و خود نیز در پی اصلاح کار، بر می آید با این تفاوت که اصلاحگران، انسان های نیک اندیشی هستند که بادرک نیروی توانای وجود خود، پی به داروی مورد نیاز برده سعی در نابودی عامل مرض مینمایند.